



مسئول راهور در مسیر وزارت راه

احمد رضا رادان، فرمانده فراجا، از ماموریت فرمانده پیشین پلیس راهور در وزارت راه خبر داد. به گزارش ایسنا، او گفت: «بنا داشتیم تا از سردار هادیانفر در یکی از حساس ترین مراکزمان در پلیس، یعنی فرماندهی قرارگاه تحلیل داده استفاده کنیم، اما متأسفانه این امر محقق نشد. وزیر راه با من تماس گرفت و از من خواست تا با ماموریت سردار هادیانفر در این وزارتخانه موافقت کنم. راستش را بخواهید ما دیدیم که این وزارتخانه سهم ۳۸ درصدی در کاهش تصادفات دارد، درحالی که پلیس سهم ۱۹ درصدی دارد. ازاین رو با حضور ایشان در وزارت راه موافقت شد و سردار هادیانفر به وزارت راه می روند و من مطمئنم که در آنجا منشأ اثر خواهند بود.»



تامین نیاز خونی کشور

مصطفی جمالی، مدیرعامل سازمان انتقال خون ایران، از تامین صددرصدی نیازهای خونی و فرآورده های خونی کشور خبر داد و تاکید کرد: «هیچ کمبودی نداریم و ذخایر خون کشور را از میانگین ۴روز به ۸روز رسانده ایم. سازمان انتقال خون سالانه ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر مراجعه کننده دارد. سال گذشته از جمع مراجعه کنندگان، ۲میلیون و ۲۲۰هزار نفر خون اهدا کردند.» او ادامه داد: «در حادثه تروریستی کرمان ذخایره خونی خود استان جوارگو بود، هرچند ما از سایر استان ها هم ذخایر خونی (Oمنفی) ارسال کردیم.» جمالی کمبود نیرو را در سازمان انتقال خون و البته در استان خراسان جنوبی، یک مشکل بزرگ دانست و گفت: هرچه سن جمعیت بالا برود و تخت های بیمارستانی افزایش پیدا کند، نیاز به خون و فرآورده های آن بیشتر می شود و تامین این نیاز مستلزم داشتن شرایط خاص به ویژه نیروی انسانی کافی است.»



برخورد با تخلفات موتورسیکلت سواران

سیدابوالفضل موسوی پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، از آغاز طرح برخورد با تخلفات موتورسیکلت سواران در پایتخت تحت عنوان «طرح ۱۰» خبر داد. به گزارش ایسنا او گفت: «در طرح جدید که به آن «طرح ۱۰» می گوئیم، با ۱۰ روش و راهکار با تخلفات موتورسواران برخورد خواهد شد. درواقع انضباط بخشی به تردد آنها که هم جنبه فرهنگی و ایجابی دارد، هم به شکل سلبی با تخلفات موتورسواران برخورد خواهیم کرد.» موسوی پور یادآور شد: «عمده موتورسواران بیمه، گواهینامه و معاینه فنی ندارند، همین مسئله متأسفانه به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است. در کمال تأسف ۴۹درصد از تصادفات منجر به فوت در تهران، مربوط به موتورسواران است و این آمار نگران کننده است. از تعداد ۴۴۰ نفری که در ۸ماهه سال جاری بر اثر تصادف فوت کرده اند، نزدیک به نیمی از آنها مربوط به موتورسواران بوده است.»

نگاه حقوقدان / ۲

مینا جعفری دبیر کمیته حقوق زنان کارگروه حقوق بشر کانون وکلا:

لایحه حمایت خاصی از جامعه هدف خود نمی کند

می شود که دچار آسیب ناشی از خشونت شده اند و این خدمات فارغ از دین، نژاد، ملیت و... است.

تبصره یک ماده یک این لایحه بر انجام اقدامات پیشگیرانه و در مرحله بعد، حمایتی تاکید کرده است. آموزش، برگزاری کارگاه های مرتبط از جمله اقدامات پیشگیرانه هستند. حمایت اما بعد از وقوع خشونت صورت می گیرد که براساس اصل ۱۰ قانون اساسی باید اجرا شوند. اما به نظر من، در این حوزه نیز مقررات لایحه تکراری اند. به باور من، باید نهاد مشخصی مانند معاونت زنان ریاست جمهوری برای اقداماتی مانند برگزاری دوره های آموزشی به زنان و مردان جهت پیشگیری از خشونت در نظر گرفته شود. اما بخش پیشگیرانه در این لایحه ضعیف تر است، در حالی که مبحث بسیار مهمی است. در تبصره یک ماده ۷ این لایحه برای آموزش و پرورش وظایفی در نظر گرفته شده است. زیرا تنها راهکار پیشگیری، آموزش است که در این لایحه برعهده آموزش و پرورش قرار داده شده است. اما هماهنگی برای اجرای این لایحه برعهده وزارت کشور است.

ضمات اجراهای کیفری و مجازات های مطرحه در این لایحه آیا متفاوت یا ویژه تر نسبت به مجازات های در نظر گرفته شده در قانون مجازات اسلامی است؟

ماده ۲۸ این قانون، بر تشدید مجازات ها تاکید و مقرر کرده است: «هر کس با سوءاستفاده از جنسیت یا موقعیت آسیب پذیر زنان، مرتکب هریک از جرائم موضوع مواد (۶۱۱)، (۶۱۴)، شود، مجازات او از میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات قانونی جرم ارتكابی تشدید می شود.» این مواد همان مواد عام، سنتی و پیشین است که در قانون مجازات اسلامی وجود دارد و بدون هیچ گونه نوآوری و خلق حمایت های جزائی جدید تنها از تشدید مجازات های قبلی سخن گفته است. وقتی قانونی جدید حاوی مجازات تدوین می شود، باید بتواند ایجاد بازدارندگی کند درغیراین صورت قانون مذکور مفید نیست و مهجور خواهد بود؛ مانند قانون ماهواره که نتوانسته بازدارندگی لازم را ایجاد کند. در این لایحه مانند قوانین قبلی، زن بار اثبات خشونت یا سوء رفتار اعمال شده بر خود را برعهده دارد. هیچ نکته مثبتی در این قانون وجود ندارد، بنابراین در این شرایط خشونت مداوم یافته، حتی ممکن است افزایش یابد و عملاً حمایت خاصی رخ نداده است.

این لایحه از ۷۷ ماده متن پیشنهادی اولیه توسط گروه های دیگر به ۵۱ ماده رسید و علت کاهش مواد نیز تطبیق آن با قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری عنوان شد. به نظر شما این کاهش تعداد مواد قانونی، می تواند باعث کاهش حقوقی شود که برای زنان در لایحه اولیه قائل شدند؟

لایحه اولیه توسط فعالان حوزه زنان نوشته شد و توسط معاونت زنان دولت یازدهم - یعنی خانم مولاردی - پیگیری شد، اما بعدها این لایحه تغییر شکل زیادی یافت؛ تغییر در عنوان لایحه مرحله ابتدائی این تغییرات بود. این لایحه مطابق واقعیت و نیازهای جامعه نیست. لایحه فعلی، لایحه ای نیست که به دغدغه فعالان حوزه زنان، حقوق دانان و تدوین کنندگان اولیه لایحه و نیازهای واقعی زنان پاسخ دهد. این لایحه آنقدر میان دولت و قوه قضائیه رفت و برگشت داشت که تا ارسال به مجلس زمان زیادی برد. بهر حال ۲۱ ماهه سال گذشته، به کمیسیون اجتماعی مجلس رفت در حالی که این موارد به کمیسیون اجتماعی مجلس ارتباط چندانی ندارد و باید توسط فراکسیون زنان مورد بررسی قرار گیرد. با گذشت یکسال اما هنوز این لایحه در مجلس خاک می خورد. اراده ای برای تصویب چنین قوانینی وجود ندارد. در حالی که وجود این قوانین منطبق با نیاز جامعه است. هنوز ما شاهد کثرت فرزندکشی و زن کشی در جامعه هستیم. قتل، حداثی خشونت است و این میزان قتل نشان دهنده بالا رفتن خشونت در یک جامعه است. آمار سیاه جرائم یا به عبارت دیگر جرائمی که اعلام یا پیگیری نمی شوند در این آمار محاسبه نمی شوند.

اگر این لایحه به موقع به تصویب می رسید، آیا رفتارهایی مانند آنچه گشت ارشاد درباره زنان اعمال می کرد یا رفتارهای ناگوار که بعضاً توسط افرادی که خود را آمر به معروف می نامند، نسبت به زنان انجام می گیرد، می توانست از موارد خشونت علیه زنان و مشمول این لایحه باشد؟

بله. فرقی نمی کند خشونت در بیرون از منزل یا داخل منزل رخ دهد. براساس لایحه اولیه تمام این موارد مشمول خشونت علیه زنان می شد. اما در حال حاضر نیز براساس قانون مجازات اسلامی هر کس که به شما توهین کند یا شما را مورد ضرب و جرح قرار دهد، مجازات می شود، بنابراین نه آمر و نه مأمور دولت نمی توانند شما را مورد ضرب و جرح قرار دهند و در صورت ارتکاب این عمل، شهروند حق دارد در دادگاه کیفری علیه مرتکب، طرح شکایت کند.

با وجود اینکه این لایحه از نظر شما به دلیل تغییرات اعمال شده بر آن کم خاصیت شده است، اما با وجود همه ایرادات آیا نفع زنان در تصویب آن است یا فرق چندانی نمی کند؟ دوم اینکه چرا این لایحه تاکنون به تصویب نرسیده، در حالی که لایحه حجاب به رغم موافق نبودن بخشی از جامعه، به سرعت مورد رسیدگی قرار گرفت و به شورای نگهبان هم ارسال شد.

در تمام جوامع به ویژه ایران نوعی نگاهی سنتی وجود دارد که تمایل چندانی ندارد این نوع لایوح را که درباره حقوق زنان و به صورت ویژه درباره خشونت علیه آنهاست، مدون و مدرن شود و حقوقی دارای ضمانت اجرا به نفع زنان در برابر عملکردهای خشن برخی مردان ایجاد کند. بنابراین علت تصویب نشدن این لایحه را تاکنون باید از خودشان پرسید. از طرف دیگر قوانین باید از مردم حمایت کنند و باتوجه به اینکه این لایحه حمایت خاصی از جامعه هدف خود نمی کند به نظر من، تصویب شود یا نشود هم فرق چندانی به حال زنان نخواهد داشت. اما در لایحه اولیه به مسائل اصلی زنان پرداخته شده بود.

مینا جعفری، حقوقدان و دبیر کمیته حقوق زنان کارگروه حقوق بشر اتحادیه سراسری کانون های وکلا (اسکودا)، درباره لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنها در برابر سوء رفتار می گوید: «این لایحه که نسبت به لایحه اولیه تغییرات چشمگیری یافته، با عنوان نکردن مواردی مانند قتل ناموسی، کودک همسری، خانه امن و... حمایت جدیدی از زنان خلق نکرده و تنها محلی برای گردآوری قوانین قبلی قانون مجازات اسلامی است.» مشروح گفت وگویی او با هم میهن را در ادامه می خوانید.

لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت، ناگهان به لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوء رفتار تغییر نام داده شد. این تغییر نام آیا می تواند تأثیری بر حقوق در نظر گرفته شده برای زنان در این لایحه داشته باشد؟ تبعات حقوقی این تغییر نام چیست؟

تدوین یا تصویب یک قانون باید بتواند تغییری در رفتار افراد جامعه ایجاد کند، ضمانت های اجرایی تأثیر گذار و جدید را مورد توجه قرار دهد و بر خلاف قوانین موجود، کارکردی جدید داشته باشد و نهاد سازی حمایتی کند. تدوین یک قانون کم خاصیت پس از یک دهه انتظار چه فایده ای برای جامعه دارد؟ وقتی واژه خشونت را از نام لایحه حذف می کنیم، این حق برای شهروندان ایجاد می شود که از تصویب کنندگان لایحه سوال کنند به چه علت این واژه را حذف کرده اند؟ این در حالی است که خشونت در همه جوامع انسانی وجود دارد و ما ناگزیر از به رسمیت شناختن آن هستیم و باید درباره آن قانون گذاری شود تا خشونت از حد خاصی فراتر نرود و بزه دیدگان تحت حمایت قانون قرار بگیرند. اما وقتی خشونت را نادیده می گیریم و از عنوان لایحه حذف می کنیم، به این معناست که حاضر نیستیم برای آن قانون گذاری کنیم، گویا خشونتی وجود ندارد بلکه تنها سوء رفتار وجود دارد.

در اتحادیه سراسری کانون های وکلا، نشست با حضور انسیه خزعلی، معاون امور زنان ریاست جمهوری، برگزار و در این نشست درباره علت حذف واژه خشونت سوال کردیم. پاسخ این بود که «حذف خشونت در راستای عام تر و اسلامی تر شدن این لایحه است. در قرآن عبارت «عاشروهنّ بالمعروف» را داریم که سوء رفتار را فراتر از خشونت می دانند. خشونت یکی از شاخه های بد رفتاری و سوء رفتار است.» این در حالی است که در جوامع انسانی، خشونت تعریفی مشخص دارد و از یک حدی شروع و ممکن است به قتل هم ختم شود. اما افرادی که در ابتدا به فکر تدوین چنین لایحه ای افتادند و حتی تصویب کنندگان اصلی لایحه اعم از: فعالان حوزه زنان، افراد دارای مقام در دولت، قوه قضائیه و نمایندگان مجلس، رویکردشان این بود که باتوجه به افزایش خشونت ها و به صورت خاص خشونت هایی که زنان قربانیان آن هستند، به قوانین حمایتی ویژه در این حوزه نیاز است. حذف واژه خشونت و جایگزین شدن سوء رفتار می تواند بر محتوای قانون نیز تأثیر بگذارد و آن را تبدیل به یک قانون کم خاصیت کند.

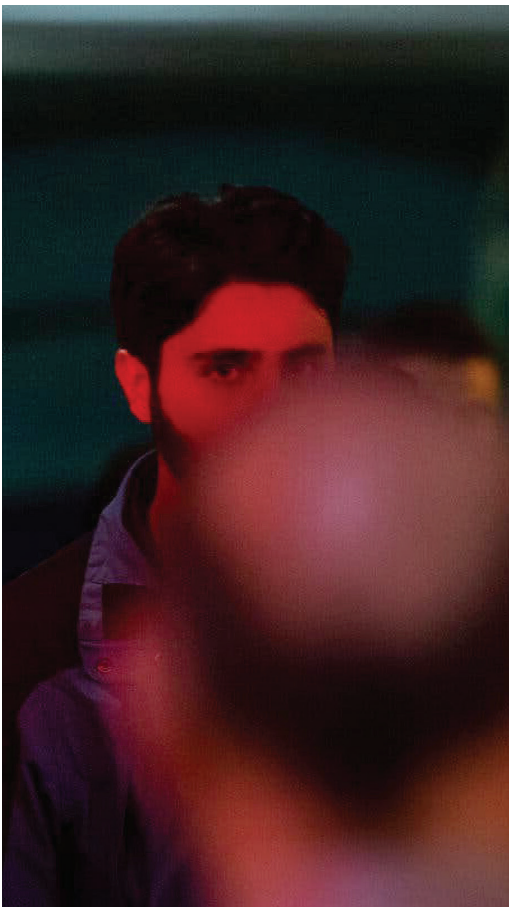
تبصره ۲ ماده یک این لایحه، تعریفی از سوء رفتار ارائه می دهد و تاکید می کند که فعل یا ترک فعل نسبت به آنچه در این قانون آمده، سوء رفتار و جرم تلقی می شود. آیا موارد در نظر گرفته شده در لایحه که فعل و ترک فعل نسبت به آنها جرم است، جامع و کامل است؟

حقیقت این است که این لایحه نسبت به سوء رفتار و جرائم علیه زنان نگاهی سنتی داشته است، موارد جدیدی که بر جامعه حادث و بستر ساز احساس نیاز نسبت به تدوین چنین قانونی شد، در این لایحه لحاظ نشده است. به عنوان مثال مواردی مانند کودک همسری، قتل های ناموسی، ازدواج های اجباری، خودسوزی و خودکشی زنان و پیش بینی خانه امن و خطوط ویژه ای که برای اطلاع رسانی درباره خشونت هاست، در این لایحه مطرح نشده است. به عبارت دیگر در این لایحه به برخی موارد بسیار مهم، و تأثیر گذار پرداخته نشده در حالی که جامعه به سمت جلو حرکت کرده و قانون نباید از جامعه عقب بماند. مواردی که در این لایحه تحت عنوان سوء رفتار مطرح شده اند، همان مسائل عمومی قانون مجازات اسلامی و گردآوری قوانین قبلی در یک متن هستند، بنابراین چه لزومی به تصویب آن و تحمیل این میزان هزینه به دولت و درگیر شدن تعداد زیادی از سازمان ها برای اجرای آن است؟ زیرا قانونی که به موارد جدید جامعه نمی پردازد، قرار نیست تغییری هم ایجاد کند.

باید نهادهای جامع وجود داشته باشند تا زنی که در منزل یا خارج از منزل دچار خشونت می شود، بتواند به آن مراجعه کند. در جهان این موضوع برعهده خانه های امن است، اما در این لایحه چنین مراکز جامع و حمایت کننده ای که نماینده ای از بهزیستی، دادستان و پزشکی قانونی در آن حضور داشته باشد، وجود ندارد. این نهاد می تواند از همان بدو اعمال خشونت در کمال آرامش، خدماتی را به زن ارائه دهد تا او دچار مشکلات بعدی نشود. نهادهای شبیه اورژانس اجتماعی که چنین مواردی را تحت شمول خود قرار دهد، در این لایحه پیش بینی نشده است؛ در نتیجه این لایحه حمایت جدیدی از زنان تحت خشونت خلق نکرده است.

در این لایحه از زنان آسیب دیده و زنان در معرض آسیب به عنوان جامعه هدف نام برده شده است. آیا تامین امنیت زنان در برابر خشونت یا سوء رفتار، تنها باید شامل این دو گروه شود یا باید اقشار دیگر زنان را نیز در بر بگیرد، مانند زنانی که ناگهان دچار خشونت های مورد نظر این لایحه می شوند. آیا پیشگیری های لازم برای حمایت از تمام زنان در برابر خشونت، به عمل آمده است؟

در بحث خشونت قطعاً جامعه هدف باید همین دو گروه باشد. ماده یک این لایحه تاکید کرده است، تمام زنانی که در قلمرو سرزمینی ایران هستند، مشمول این لایحه اند اما به زنانی ارائه خدمت



مقام معظم رهبری در سخنان اخیر خود، نظر اسلام را «پرهیز از موکول کردن به سننین بالا» خوانده و تاکید کرد: «البته این به معنی ازدواج کودکان نیست؛ بلکه یعنی دختر و پسر هر چه به وقت ازدواج کنند، بهتر است.» رهبری راه مواجهه با آسیب های درون خانواده را «تصویب قوانین حاوی مجازات سخت» دانستند: «این قانون باید دنبال شود و ما هم سفارش می کنیم تا مجازات سختی برای مردانی که محیط خانه را برای زن ناامن می کنند، در نظر گرفته شود.» حالا این سوال مطرح می شود که دلیل تغییر عنوان این لایحه از خشونت به سوء رفتار چیست و دوم اینکه، چرا همین لایحه نیم بند نیز تاکنون تصویب نشده است؟

به دلیل خشونت شود؟

مادامی که حقوق و آزادی های زنان به صورت متوازن و همگن با مردان مورد توجه ساختار سیاسی کشور قرار نگیرد و به صورت خاص و موردی به آن پرداخته شود، منتج به نتیجه مطلوب نخواهد شد. به عنوان مثال در همین لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوء رفتار، به صورت مشخص از خشونت علیه زنان و محدودیت ها و محرومیت هایی که توسط مردان علیه زنان اعمال می شود، سخنی گفته نشده است، بلکه بر سوء رفتار تاکید شده است که زنان نیز می توانند علیه زنان اعمال کنند. لایحه به موضوع خشونت یا سوء رفتار مردان علیه زنان به مفهوم اخص توجه نداشته است، زیرا می هراسیند که در صورت تمرکز بر این موضوع این لایحه از منظر فقهی و شرعی با ایراد شورای نگهبان مواجه شود. بنابراین برای اینکه حقوق زنان محقق شود و برابری زنان و مردان زمینه تحقق عملی پیدا کند، باید همه ابعاد مختلف حقوق زنان مورد توجه قرار بگیرد.

نظر شما درباره محتوای تغییر نام این لایحه چیست؟

درباره تغییر نام لایحه باید گفت، وقتی از خشونت نام می بریم این مسئله محدود به خشونت لفظی، کلامی و رفتاری می شود و ممکن است بخش وسیعی از موارد نیازمند توجه از نگاه قانون گذار مغفول بماند، اما وقتی از واژه سوء رفتار استفاده می کنیم برای بخش وسیعی از رفتارهای غیر اخلاقی و غیر انسانی ضمانت اجرای کیفری در نظر می گیریم، طبیعی است که از این منظر این تغییر نام قابل دفاع است اما مشکل این است که وقتی بخش وسیعی از رفتارها را مورد توجه قرار دهند، امکان اجرای سازنده قانون سلب می شود. در این لایحه نیز چنین است و قانون گذار تلاش کرده که در یک قالب وسیع به سوء رفتار وصف مجرمانه دهد و در قالب پیشگیری، بخش وسیعی از اجرای حاکمیت به ویژه نهادهای اجرایی و عمومی را مکلف کند که به این موضوع توجه کرده و در راستای آنچه قانون گذار تعیین کرده، عمل کنند. لایحه ای با این وسعت، سنگ بزرگی است که علامت نژدن است. قانون گذار وقتی می خواهد قانون گذاری کند و برای احاد ملت و سازمان ها و دستگاه های دولتی و حکومتی تکالیف اجرایی و قضایی تعریف کند، باید به امکان اجرای قانون مذکور هم توجه کند. همچنین میزان بار مالی قانون و امکان اجرای آن در جامعه را ارزیابی کند و به آثار و عواقب آن توجه کند. به باور من، قانون گذاری در این موارد باید بسیار دقیق باشد.